



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۲ | ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹

نوجوان
ج.م.ج

مثلا این عکس واقعی محمدطه و لئوناردو دی کاپریو است، شما هم بایز کنید



فاطمه کریمی



درباره نوجوانی که
بهترین دوستش فیلم است

فیلم باز یا فیلم ساز

«فیلم باز فامیل»

محمدطه از بچگی علاقه زیادی به فیلم دیدن داشته، الان هم که کلاس نهم است و سال دیگر انتخاب رشته دارد؛ باز عادت تماشای فیلم از سرش نیفتاده. آینده اش را در همین مسیر می بیند، نه منظورم فیلم دیدن نیست؛ او خودش را فیلم ساز آینده این کشور می داند. حسابی هم درس خوان است و برای من به عنوان مصاحبه کننده عجیب است که او چطور می تواند روزی ۱۰ ساعت فیلم ببیند و درسش را هم بخواند. به خصوص وقتی می فهمم این علاقه به تماشای فیلم در حدی است که گاهی فراموش می کند ناهار و شام بخورد و همین ها هم باعث شده تا کل فامیل به محمدطه بگویند فیلم باز.

«از قدیم به جدید»

الان لابد داری با خودت می گویی خب من هم فیلم زیاد می بینم؛ ولی نکته اینجا است که چه می بینی. فیلم باز بودن فقط به وقت زیادی که برای این کار اختصاص می دهیم نیست، شاید بشود گفت ده هشتادی ها و حتی ده هفتادی ها خیلی علاقه ای به تماشای فیلم های قدیمی یا به اصطلاح کلاسیک ندارند. اما محمدطه این طور نیست و فیلم های قدیمی و کلاسیک در فهرست همیشگی او قرار دارند. مثلاً یکی از فیلم های محبوب او سریال «روزی روزگاری» است. مدل ایرانی اش نه ها؛ این یک سریال ۲۰۱۱ آمریکایی است که تمام شخصیت های قدیمی کمپانی دیزنی در آن قرار دارند. آنها طلسم شده اند و از دنیای کارتون به دنیای واقعی می آیند و باقی ماجرا.

«کتاب یا فیلم»

خیلی ها ترجیح می دهند کتاب یک اثر را بخوانند تا فیلمش را تماشا کنند. مثلاً می گویند خواندن کتاب هری پاتر از دیدن فیلمش لذت بیشتری دارد؛ چون امکان تصویرسازی بیشتری موقع خواندن کتاب وجود دارد. اما خیلی ها اصلاً حوصله خواندن کتاب را ندارند. محمدطه در این باره می گوید: «بهترین دوست من فیلم است. مخصوصاً فیلم هایی با ژانر علمی. تخیلی که تأثیرگذارند.» از نظر محمدطه همان طور که یک نویسنده باید کتاب های زیادی بخواند، کسی هم که می خواهد یک فیلم ساز حرف های شود باید خیلی فیلم ببیند و بعد حتماً ساعت ها به آنها فکر کند و تحلیل و بررسی هم داشته باشد.

«غرق در نقش»

همه کسانی که رؤیا و هدف بزرگی دارند، قطعاً دلیل خاصی هم برای انتخاب آن هدف دارند. علت علاقه شدید محمدطه فوداجی به فیلم سازی و کارگردانی، و این همه میل به تماشای فیلم یک نفر است: ابراهیم حاتمی کیا؛ از کارگردانان بنام کشورمان. خیلی هم به دیدن ایشان از نزدیک علاقه دارد. آرزویی که امیدواریم بتوانیم برایش برآورده کنیم. او با دیدن فیلم های حاتمی کیا بیشترین حس همزادپنداری را با شخصیت های فیلم دارد. انگار در آن نقش ها غرق می شود.

«قهرمان واقعی»

از بچگی هر کداممان قهرمان هایی داریم. شاید اولین شان پدرمان باشد و معلممان، بعد هم خیلی از شخصیت های کارتون و در ادامه سلبریتی ها و... قهرمان واقعی محمدطه شهدا هستند. نه این که چون ما داریم با او در نوجوانه جام جم مصاحبه می کنیم این حرف را بزند. صداقت حرفش را وقتی می فهمیم که به او می گوییم اگر از تو حمایت کنیم اولین فیلمی که می سازی درباره کیست؟ و او که خودش را از همین حالا یک فیلم ساز حرفه ای می داند، می گوید: «آرزوی من این است که بتوانم یک روزی فیلم زندگی شهید مرتضی آوینی را بسازم.»

ما هم آرزو می کنیم به این آرزویش برسد.



هیچ به این فکر
کردن که دوستان
و اطرافیان تون
شمارو به
چه صفتی
می شناسن؟ آگه
خودتون رو توی
به زمین، خاص
می دونین؛ یا ما
ارتباط بگیرین تا
توی صفحه یکی
مثل ما درباره تون
بنویسیم

(ارجاع به صفحه ۸
برای ارتباط)



خانه شان سیستم شکار و جمع آوری می سازند و قوانینی پایه ای نیز وضع می کنند. با این وجود، فرار از خانواده کار آسانی نیست... بقیه اش را خودتان ببینید.

گیرند تمام تابستان خود را برای ساختن یک کلبه در جنگل صرف کنند و دور از همه چیز در آن زندگی کنند.» اما اگر کمی بیشتر بخواهیم برایتان بگوییم؛ این فیلم درباره سه نوجوان است که تصمیم می گیرند خود را از زندگی روزمره و معمولی رها کرده و به جنگل بروند و در آنجا در کلبه ای زندگی کنند. همه چیز از آنجا شروع می شود که «جو» از خانه بیرون می رود تا از دست پدر مغرورش فرار کند. بهترین دوستش، «پاتریک»، در این راه به او ملحق می شود، و نیز به دنبال راهی است تا از دست پدر و مادرش خلاص شود. در راه با کودکی به نام «بیاگیو» آشنا می شوند که به آنها ملحق می شود. این سه نوجوان برای

یک فیلم به گرمی تابستان

این چند وقت که روز تعطیل و غیر تعطیل مان با هم فرق نداشته، شاید بهار و تابستان هم شبیه هم باشد. ولی اساساً تابستان برای همه نوجوانها یک مزه خاصی دارد. برای همین است که به همه ما می شود گفت «پادشاهان تابستان». اما این نام یک فیلم سینمایی هم هست. فیلمی به کارگردانی جردن ووگت - رابرتز. در خلاصه داستانی که یا از سوی تیم رسانه ای اثر یا توسط دیگر رسانه ها درباره داستان «پادشاهان تابستان» منتشر شده است، می خوانیم: «سه نوجوان تصمیم می